



اوج دیگری در مبارزات دمکراتیک مردم،

بدون حضور طبقه کارگر

سیاست‌های ضد مردمی، مخرب و عمیقاً بازدارنده رژیم جمهوری اسلامی در طول بیش از ۴۰ سال، با حذف ارز ترجیحی در لایحه بودجه ۱۴۰۵ به نهایت رسید. این حذف در خدمت دامن زدن آگاهانه به گرانی و تورم افسار گسیخته‌ایست تا از طریق آن با گستردگی و سرعت بیشتری آن مقدار پولی هم که نزد مردم است توسط دولت مکیده شود.

با در نظر گرفتن این واقعیت آشکار، اطاق بازرگانی پیش بینی کرد «دلار ۱۶۵ هزار تومانی و تورم ۹۰ درصدی در راه است.»

این پیش بینی خیلی زود تحقق یافت. زیرا اطاق بازرگانی از تصمیم آگاهانه دولت در گران کردن ارز و ایجاد تورم مصنوعی برای ترمیم بودجه ۱۴۰۵ آگاه بود.

وقتی قیمت دلار به ۱۴۴۷۰۰ تومان افزایش یافت، (افزایش ۷۶ درصدی نسبت به همان نقطه زمانی در سال قبل) و نرخ رسمی تورم توسط دولت ۵۲ درصد اعلام شد، بسیاری از بازاریان این فشار مضاعف مالی را نتوانستند تحمل کنند، مغازه‌ها را بستند و به اعتصاب رو آوردند.

اعتراضات بازاریان ذات دوگانه و قورباغه‌ای کاسبکاران خرده بورژوازی و بورژوازی در اپوزیسیون را نشان می‌دهد. بخشی از آن‌ها در حالی که شعار می‌دادند "بی شرف، بی شرف"، "نترسید، نترسید، ما همه با هم هستیم"، در بیرون از پاساژ عین‌الدوله شعار دیگری را فریاد می‌زدند "نیروی انتظامی، حمایت، حمایت" (رادیو زمانه) آن‌ها برای رسیدن به اهداف خود در مبارزه علیه برخی سیاست‌های اقتصادی رژیم، به نیروی انتظامی همان رژیم پناه می‌برند. مبارزات بازاریان اساساً دارای خصوصیت سازشکارانه، موقتی و ابن‌الوقتیست. نیروهای انتظامی نیز تا ۸ دی ماه با بازاریان درگیر نشده بودند. بعد از این تاریخ یعنی در روز ۹ دی ماه نمایندگان دولت پزشک‌یان با نماینده بازاریان به توافقی رسیدند که به مثابه بیعت بازار با علی خامنه‌ای تلقی می‌گردد. علی خامنه‌ای نیز در ۱۳ دی ماه با شناخت کامل از همجنسان خود در اپوزیسیون می‌گوید: «قشر بازاری وفادارترین قشرها به جمهوری اسلامی است. به اسم بازار و بازاری نمی‌توان با جمهوری اسلامی مقابله کرد.» او در همین گفتار ادامه می‌دهد که «خواسته‌های اقتصادی معترضان قابل فهم است، اما اغتشاشگران را باید مهار کرد و در جای خود نشاند.» در واقع خامنه‌ای مثل گذشته به سرکوب رو آورده است.

همزمان با اعتصابات بازاریان، دانشجویان دانشگاه تهران نیز علیه "لغو اسکان" اعتراضات و اعتصابات خود را تشدید کردند. در شرایطی که اجاره مسکن حتی برای اقشار متوسط نیز غیر قابل پرداخت گشته است، مدیریت دانشگاه امیر کبیر و برخی دیگر از دانشگاه‌های تهران اسکان دانشجویان ترم ششم، نهم و دوره تخصصی دکترا را در خانه‌های دانشجویی کوی دانشگاه ممنوع اعلام کردند. این دانشجویان چاره‌ای جز ترک تحصیل و رفتن به شهرهای خود ندارند. این ظلم و ستم باعث درگیری‌های متعددی بین نیروی نظامی دانشگاه، مدیران و مسئولین از یک جانب و دانشجویان دانشگاه‌های تهران از جانب دیگر گشته است.

اخیراً شورای صنفی دانشجویان برخی از دانشگاه‌ها از مبارزات اخیر دانشجویان پشتیبانی نموده و مدیریت دانشگاه را به عنوان عامل تمام نارسائی‌های حقوقی دانشجویان افشا کرده است. این پشتیبانی و افشاگری مورد غضب دولتمردان قرار گرفت. لذا قوه قضائی، شورا را تحت فشارهای امنیتی شدیدی قرار داده و تعدادی از اعضای آن را احضار نموده است.

شعارهای دانشجویان در این دوره تا کنون عبارت است از: "دانشجو داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "آموزش رایگان حق مسلم ماست" و شعار سیاسی بخشی از آن‌ها "پلیس مزدور نمی‌خوایم، حکومت زور نمی‌خوایم"، "دانشجو می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد"، "مرگ بر دیکتاتور" این جنبش در سطح دو دانشگاه محصور نماند بلکه سریع گسترش یافته و بسیاری از دانشجویان رشته‌های مختلف را به حرکت آورده است. دانشجویان کشور تحت شدیدترین شرایط به تحصیل مشغولند و هر روز با چندین مسأله امنیتی از قبیل احضار دانشجویان دختر به کمیته انضباطی دانشگاه به علت کافی نبودن پوشش اسلامی و یا دخالت حراست دانشگاه در ارزیابی کیفیت و سطح آموزش و اخلاق دانشجویان، رو به رو می‌شوند.

ناشی از چنین شرایط دردناک و غیر قابل تحملی است که جنبش دانشجویی در ایران مقاوم و پرمواست. جنبش دانشجویی تا کنون اکثراً سمت پیوند با جنبش کارگری را داشته است. همین سمتگیریست که به تداوم و پایداری نسبی جنبش دانشجویی کمک می‌کند و نیرو می‌بخشد. در روزهای اخیر نیروهای نظامی جمهوری اسلامی به خوابگاه دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه تهران یورش بردند و تعدادی را نیز دستگیر کردند. حرکات اخیر بازاریان و اعتراضات دانشجویان که در متن مبارزات مداوم کارگری جریان یافته است، آتش پر لهب اعتراضات را از زیر خاکستر بیرون کشید.

میلیون‌ها از مردم تحت ستم و استثمار با شعار "مرگ بر دیکتاتور"، "مرگ بر خامنه‌ای"، "مرگ بر جمهوری اسلامی" در ۱۷۴ شهر ایران مجدداً به خیابان آمدند که با تهاجم نیروهای انتظامی درگیری‌های شدیدی به وقوع پیوسته، هزاران نفر دستگیر و مجروح گردیده و هزاران نفر نیز کشته شده‌اند. بیمارستان‌ها و سردخانه‌ها ظرفیت این همه جسد را ندارد. لذا آن‌ها را در مساجد روی هم انباشته‌اند. در بسیاری از شهرها مردم به تأسیسات دولتی حمله کرده و آن‌ها را به آتش کشیده و بسیاری از عناصر سرکوبگر را نیز کشته‌اند.

رژیم ایران که با درس‌گیری از جنبش سال‌های ۱۴۰۱ - ۱۴۰۲ خود را برای مقابله با مبارزات وسیع مردم آماده کرده است، اکنون چنگ و دندان نشان می‌دهد: ستاد کل نیروهای مسلح می‌گوید: «اجازه نمی‌دهیم آسیبی به امنیت مردم وارد شود». یعنی مبارزات مردم را سرکوب خواهیم کرد. ارتش نیز بیانیهای صادر کرده که در آن چنین آمده است: «نظام سلطه و استکبار جهانی به رهبری شیطان بزرگ، آمریکای زبون و بدخواهان نظام اسلامی، در فرصتی که تعدادی عناصر خودفروخته داخلی و برخی نیز از روی نادانی و جهل برایش فراهم ساختند، آتش فتنه سال ۱۳۸۸ را برافروختند...» به زبان بشری یعنی اگر مبارزه را آغاز کنید خودفروخته و یا نادان هستید و سرکوب خواهید شد. آن‌ها به خوبی به گرایش فکری و شجاعت مردم آگاهند. سخنگوی سپاه می‌گوید: «دشمن [بخوان مردمان استثمار شده و ستم دیده و مترقی] همچنان امید به فروپاشی از درون دارد.»

ولی مردم ایران به ویژه کارگران هراسی از سرکوب و جان دادن ندارند، زیرا آن‌ها هر روز در زیر فشار زندگی، گرانی، بی حقوقی و کلیه اجحافات اجتماعی جان می‌دهند. ترس‌شان ریخته است. آن که از ترس و وحشت هر روز و ساعت بر خود می‌لرزد رژیم فاشیستی جمهوری اسلامیست.

جنبش کارگری، در مبارزات معیشتی خود هر روز به قلمروهای سیاسی نوینی گام می‌نهد و سیاسی‌تر می‌شود، ولی طبقه کارگر به صورت طبقه در این جنبش حضور ندارد. این یکی از ضعف‌های جنبش عمومی مردم بوده و ناشی از حاکمیت یک گرایش ضد پرولتری در طبقه کارگر است. ولی در این مدت کوتاه جنبش عمومی مردم ایران اوج دیگری را تجربه می‌کند.

در این روند انواع و اقسام راه‌ها و تئوری‌های خرده بورژوائی سعی می‌کند تلاش جنبش کمونیستی را که مصمم است مردم را برای مبارزه مسلحانه علیه سرمایه‌داری حاکم بر ایران سازماندهی کند و سمت سوسیالیستی بدان دهد، به انحراف بکشاند. یکی از این تلاش‌های مذبذبه خرده بورژوائی، تبلیغ "سایت رادیو زمانه" برای دین بهائیست: «برخلاف جریان‌های فکری وارداتی - از لیبرالیسم غربی گرفته تا مارکسیسم - جنبش بابی - بهائی از درون سنت‌های فرهنگی و دینی ایران سر برآورد: زبانش فارسی بود، مفاهیمش آشنا، و روحش برخاسته از عرفان و عدالت‌خواهی ایرانی.»

نویسنده مقاله، آقای فرهاد ثابتاء، سخنگوی جامعه جهانی بهایی، به این مسأله آگاه نیست که مارکسیسم یک چیز وارداتی نیست بلکه یک فلسفه و متدولوژی جهانیست. همان طور که فلسفه هگل یک فلسفه فقط آلمانی نیست بلکه به سیستم فلسفه ایده‌آلیستی جهانی تعلق دارد. همان طور که ویولن یک ساز ایتالیائی نیست بلکه یک ساز بین‌المللیست.

ولی به هر جهت کوشش رادیو زمانه و ایشان که بسیار حقیر و کم مایه است، تلاشی است در جهت ممانعت از آگاه شدن استثمار شونده‌گان و نیروهای مترقی برای رهایی خود، برای سوسیالیسم و جامعه سوسیالیستی.

در صحنه سیاسی سلطنت طلبان شعارهای مردم را در رسانه‌های عمومی مثل واتس‌آپ، تلگرام و... جعل نموده و شعارهای خود را به جای شعارهای مردم جا سازی کرده‌اند. این شیوه منحط و ارتجاعی از ذات بورژوازی حریص و وابسته به امپریالیسم سرچشمه می‌گیرد. این‌ها فقط به یک پرنسپ و اصل پایبندند: رسیدن به قدرت. برای این هدف از هر وسیله‌ای استفاده می‌کنند: فحاشی، جعل مدارک و اسناد، تهاجم و نفی فیزیکی و فریادهای آشکار ضد کمونیستی.

رژیم ایران نیز برای ایجاد درگیری در بین مردم گاهی شعار سلطنت طلبان را سر می‌دهد: “رضا شاه روح شاد”. ما این واقعیت را در مبارزات چند سال پیش کارگران و دهقانان در زاینده رود اصفهان شاهد بودیم. امروزه نیز اینجا و آنجا در تظاهرات مردم شاهد آن هستیم.

از سوی دیگر فریاد برخی نیروهای سیاسی و افراد که “این دفعه کار تمام است” یعنی این دفعه حتماً مردم رژیم جمهوری اسلامی را می‌روبانند، به آسمان می‌رود.

این فریادها نشان دهنده عدم آگاهی به مبارزه طبقاتی، به لزوم درجه معینی از آگاهی طبقاتی و اجتماعی برای تغییرات بزرگ و در نظر نگرفتن مشکلات راه و تناسبات نیروهای درگیر در جامعه است. این افراد با یک مویز گرمی‌شان می‌شود و با یک قوره سردی‌شان. با یک حرکت اعتراضی فکر می‌کنند همین الساعه رژیم سرنگون می‌شود و با یک سرکوب خانه‌نشین می‌شوند. این خصوصیت خرده بورژوازی میانه حال ایران است.

دولت آمریکا نیز مترصد فرصت است تا به طور مستقیم در امور داخلی کشورمان دخالت کند. ترامپ تهدید کرده است که اگر رژیم به کشتار مردم ادامه دهد، آمریکا نیز تیراندازی خود را خواهد کرد. مسأله دولت آمریکا راحت شدن از شرّ یک جنبش همه گیر و تسلیم یک رژیم فاشیستی به خود است نه دفاع از مبارزات مردم. خامنه‌ای هم پیام داده که ترامپ برود کشور خودش را درست کند.

تا زمانی که اکثریت مردم ایران ساختار جامعه سوسیالیستی را نپذیرند و برای آن مبارزه نکنند، مبارزات آن‌ها در چارچوب و تنگنای ساختار سرمایه‌داری قرار می‌گیرد و پس از هر خیزشی، یک افت دردناک حادث می‌گردد. احتمال دارد که نیروهای امپریالیستی بر موج مبارزات مردم سوار شوند و رژیم دیگری را بر سر کار آورند و یا از درون نیروهای مسلح کودتا انجام شود. هیچ یک از این تغییرات شرایط دردناک زندگی زحمتکشان ایران را نه تنها بهتر نخواهد کرد بلکه معضلات جدیدی بر معضلات بیکران کنونی آن‌ها می‌افزاید. زیرا چنین سرنگونی‌ای به حاکمیت یک قشر و دولت فاشیستی دیگر منجر می‌شود. این یک دایره شیطنانیست. با پیوستن جنبش کمونیستی به جنبش کارگری و ایجاد حزب کمونیست راستین و سراسری ایران، این جنبش از دایره شیطنانی خارج خواهد شد و سمت سوسیالیستی خواهد گرفت.

سازمان‌های جنبش کمونیستی از سال ۱۴۰۱ تا کنون برای ایجاد وحدت اراده اکثریت جنبش کمونیستی در کارگری شدن و ایجاد حزب کمونیست و تبلیغ آلترناتیو سوسیالیسم در مقابل جامعه سرمایه‌داری ایران، چه کرده‌اند؟ اکنون دوباره جنبش عظیم مردم در خیابان است، جنبش کمونیستی رهبری خود را بر مبارزات مردم چگونه می‌خواهد تضمین کند؟ چه تدارکی برای آن دیده است؟ چه راهکارهای تاکتیکی برای وحدت اراده و اعمال سیاست‌های مشترک خود تدوین کرده است؟

هیچ! هر سازمانی فقط به فکر کار خود و گسترش و تحکیم خود بوده و از وظیفه اصلی که عبارت است از تلاش در ایجاد وحدت اراده در جنبش کمونیستی در جهت کارگری شدن و ایجاد حزب کمونیست عدول کرده است. این یک حرکت قهقرائیست، این یک حرکت ارتجاعیست. زیرا آلترناتیو ایجاد حزب کمونیست در مقابل سازمان‌های

پراکنده جنبش کمونیستی قد علم کرده است. تاریخ این آلترناتیو را می‌خواهد. ایدئولوژی حاکم بر رهبری سازمان‌های کمونیستی، ایدئولوژی فرار از مسئولیت اصلی، فرار از وظیفه اصلی‌ست، به بیان دیگر ایدئولوژی آن‌ها ایدئولوژی خرده بورژوازی چپ رمیده از سوسیالیسم است.

آیا جنبش اخیر، رهبران سازمان‌های کمونیستی را به خود خواهد آورد، آیا آن‌ها را به سوی ایجاد وحدت اراده و نه فقط عمل و آکسیون مشترک، هدایت خواهد کرد؟ این را باید در پراتیک جنبش کمونیستی در سیر حرکت عمومی جنبشی که آغاز شده ارزیابی کرد.

نظم کمونیستی

۲۵ دی ماه ۱۴۰۴

کمون

شیوه تفکر یک خرده بورژوا: یک خرده بورژوا مارکسیست شده، سعی میکند تافته جدا بافته باشد، از نظر سیاسی همیشه قدری با دیگران زاویه داشته باشد تا بتواند خود را بنمایاند. برایش منافع پرولتاریا محلی از اعراب ندارد، آنچه او را به حرکت در میآورد، مرکز قضایا بودن خودش است. خرده بورژوا عاشق میکر فن است. نشستن در کنار انسان‌های اسم و رسم دار و جا گرفتن در موقعیتهائی که بتواند به پول و پله‌ای خود را نزدیک کند، از اهداف همیشگی زندگی اوست.

پرولتاریای جهان متحد شوید

کارگران، زحمتکشان و آزادیخواهان مترقی متحد شوید!
در سمت پیوند با طبقه کارگر بکوشیم!
حزب کمونیست راستین ایران را به وجود آوریم!
تروتسکیسم را از صفوف خود طرد کنیم!
به پیش در سمت ایجاد شوراهای کارگران و تهیدستان!
پیروز باد دیکتاتوری پرولتاریا
پیروز باد دولت شورائی کارگران و تهیدستان

کمون